

طرحنامه کرسی ترویجی

۱. مشخصات ارائه دهنده(گان):

نام و نام خانوادگی:	فواد مولودی
میزان تحصیلات:	دکتری
رشته تحصیلی:	زبان و ادبیات فارسی
مرتبه علمی:	استادیار
نام و آدرس محل اشتغال:	سازمان سمت
شماره تلفن:	۰۹۱۸۸۳۶۱۴۰۳
آدرس ایمیل:	F_molowdi@yahoo.com
شناسه ORCID:	۰۰۰۰-۰۰۰۲-۰۱۸۶-۳۷۲۷

۲. عنوان کرسی:

عنوان فارسی: رمان جنگ تحمیلی در میانه واقعیت و استعلا
عنوان انگلیسی: An imposed war novel in the middle of reality and transcendence
عنوان عربی:

۳. خلاصه طرحنامه: (حداقل ۱۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ کلمه):

الف. شرح موضوع: در یک سر طیف رمان‌های جنگ، آثاری قرار دارند که محاکات واقعیت را به نفع گزارشِ روستاخی ایده‌ها تقلیل می‌دهند؛ و در سر دیگر آن، آثاری که بازتولید جزئیات سخت و خشن جنگ را تنها اولویت خود می‌دانند و ایده‌های مبتنی بر دفاع ملی و خیر الهی آن را به پس‌زمینه می‌رانند. به نظر می‌رسد در این میانه، داستان برجسته جنگ تحمیلی، داستانی باشد که از یک سو، ظرایف و دقایق محاکات واقعیت، و بازنمایی هنرمندانه اجزای آن را در فرم خود رعایت کند؛ و از سویی دیگر تکرر و تناقض اجزا را به طریقی هنرمندانه، غیرمستقیم، غیرشعاری، و مبتنی بر رعایت اصل زیباشناسانه «واقع‌نمایی» به «وحدت» برساند و «کلیت» را برسازد. این آثار در «دسته میانی» یا «بینابین» قرار می‌گیرند. دو دسته دیگر (داستان ایده‌محور، داستان جزئیت‌محور متمرکز بر اجزای ناخوش جنگ) بر مبنای پیش‌فرض‌ها و انگاره‌هایی از پیش معلوم خلق شده‌اند: یا ایدئولوژی و ذهنیت آشکار بر آنها سیطره دارد، یا نسبت متن با واقعیت در آنها گزینشی و تقلیل یافته و از پیش معلوم است و در یک کلام «ایده در آنها مقدم بر فرم، و بیرون از فرم است و پیشاپیش برای فرم تعیین تکلیف کرده است»؛ یا بر «جزئیت» متمرکز دارند و اجزای ناخوش جنگ را به جای کلیت آن نشانده‌اند. به طور خلاصه: ۱- در رمان ایده‌محور، ایده‌های انتزاعی و کلی بر متن حکم می‌رانند و اجزای واقعیت به نفع ایده تقلیل داده و گزینش می‌شوند. به بیان روشن‌تر، رئالیتی اجزا و تکرر و تناقض آنها در این آثار، در راستای هماهنگ شدن با «ایده آرمانی» تقلیل یافته و گزینش شده است. مثلاً در رمان جنگ، هم کردار قهرمانی و رشادت و شهادت رزمندگان جبهه بخشی از واقعیت یا رئالیتی جنگ است، هم مصایب و

آسیب‌های انسانی و غیرانسانی جنگ، همچون کشتار و جراحت و مرگ‌آرژانی و هراس و شکست و سیاست‌ورزی و آسیب رسیدن به محیط زیست و ... و انگاره واقع‌نمایی داستان، ایجاب می‌کند که همه اجزای مذکور، علیرغم تمام تکرر و تفاوت و تناقض‌ها، در رمان جنگ بازنمایی شوند؛ اما رمان‌های این دسته به جانب بازنمایی بخش اول اجزا (نمایش کردار قهرمانی و رشادت) میل دارند و سمت دیگر آنها را یا نادیده می‌گیرند یا به مثابه اجزای ضروری و تعالی‌یافته برای تحقق ایده آرمانی در نظر می‌آورند (این اجزا در رئالیتی خود دیده نمی‌شوند). در این آثار، ایده آرمانی به مثابه «تمام کلیت» انگاشته می‌شود و نسبت میان «جزئیات اجزا و ایده کلی» مبتنی بر تقلیل و جهت‌دهی است.

۲- در رمان جزئیات‌محور، برعکس دسته نخست، بازنمایی اجزا به جانب آسیب و مصیبت است: بازنمایی اجزای مربوط به رشادت و قهرمانی کمرنگ است و جنگ به مثابه وضعیت فاجعه قلمداد می‌شود؛ به بیان روشن‌تر، در این رمان‌ها، اجزا کاملاً در نسبت با رئالیتی خود بازنمایی می‌شوند و نه در نسبت با ایده‌ای آرمانی هستند، نه در نسبت با کلیت. در اینجا، جزئیات مستولی می‌شود و به مثابه کلیت قلمداد می‌گردد. جزء به جای کل می‌نشیند و رمان از حدود نمایش اجزای ناخوش جنگ فراتر نمی‌رود. این رمان‌ها این پرسش اساسی را به محاق می‌برند: اگر نمایش اجزای ناخوش جنگ تنها اولویت است و جنگ به تمامی وضعیت فاجعه است، پس تکلیف ملتی که مورد تجاوز قرار گرفته است چه می‌شود؟ آیا ناخوشی اجزای جنگ به این قیمت است که ملتی تسلیم شود و سرزمین و آرمان و تاریخ و سنت خود را وا بدهد؟ با طرح این پرسش است که «غیاب امر کلی» در این آثار نمایان می‌گردد.

۳- رمان‌های دسته میانی، حالتی بینابین دارند و سنتز دو دسته دیگر هستند: در این آثار، واقعیت یا رئالیتی جنگ ناظر به تکرر و تناقض و ناهماهنگی اجزا است: وضعیت جنگ هم اجزایی همچون «رشادت، باورمندی، جان‌برکفی، کردار قهرمانی، ایثار، سخت‌کوشی، غرور، اطمینان، صداقت، و شهادت» دارد؛ هم اجزایی همچون «ترس غریزی از مرگ، هراس از کشتن و کشته شدن، احتیاط، هول، وحشت، مرگ‌آرژانی، دلهره وجودی، آسیب به محیط زیست، قربانی شدن بی‌گناهان» از واقعیات موجود آن است. انگاره واقع‌نمایی ایجاب می‌کند که تمام این اجزا بازنمایی شود و پیوند اجزای متکرر و متفاوت و متخالف در اینجا، به «وحدت کلی» در فرم رمان می‌رسد و «کلیت، اجزا را در خود حل می‌کند». در اینجا شاهد «دیالکتیک جزئیات/کلیت» هستیم. در اینجا پرسش اساسی این است: در این رمان‌ها اجزای متکرر چگونه به «کلیت» راه برده‌اند و در آن حل شده‌اند؟

رمان‌های دسته میانی، روایتی خطی و همگن و مستقیم و هماهنگ از بازنمایی جنگ تحمیلی را پیش روی ما نمی‌نهند و ما باید تکرر، گوناگونی، تنوع، و تفاوت‌های آنها را پیش چشم داشته باشیم. رمان‌های دسته میانی، نه یک تجربه، بلکه طیف وسیعی از تجارب و مسایل و بینش‌ها و تخیلات مربوط به جنگ را به طرزی پدیدارشناسانه بازنمایی کرده‌اند و میزان دوری و نزدیکی آنها به دیگر میدان‌های موجود سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به یک اندازه نیست؛ اما این رمان‌ها، علیرغم تمام تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها و تکرر تجربیاتشان، علیرغم تمام نقدهای آشکار یا نیمه‌آشکارشان به زمینه‌های جنگ تحمیلی، علیرغم تمرکز زیاد یا کمشان بر بازنمایی واقعیت یا رئالیتی جنگ و وضعیت فاجعه در آن، در یک چیز بسیار اساسی با همدیگر اشتراک دارند: **بازنمایی «رکن استعلائی».** **«رکن استعلائی» مخروج مشترک تمام این آثار است و در همه آنها بازنمایی شده است و شکاف میان «جزئیات» و «کلیت» را پر می‌کند:**

این رکن استعلائی (با نام و عنوان دینی، آرمانی، میهنی، انقلابی، شهودی، وظیفه‌ای، اجتماعی، دفاعی؛ یا هر نام و عنوان دیگری که

بخواهیم بر آن بنهیم؛ یا حتی از ترکیب همه اینها) «فضای جمعی موجود در جبهه‌های جنگ و در میان رزمندگان» است و از کنش جمعی آنها برمی‌آید. ما در اینجا توسعاً این رکن را «رکن استعلایی» نام نهاده‌ایم چون رکنی است که هم ایده، هم آرمان، هم فراروی از عینیت، و هم برگزشتن از زمان و مکان را در خود دارد و بیرون از تحلیل داده‌های موجود قرار می‌گیرد. این رکن استعلایی، هم در پیوند با سنت تاریخی پاسبانی از وطن است، هم سنت دینی دفاع و شهادت در راه آرمان را احضار می‌کند، هم به آینده گشوده است؛ فراتر از ایده‌های سازنده خود (ایده‌های الهیاتی، وطن پرستانه، اجتماعی، دینی، آرمانی، ملی و امثالهم) می‌تواند قرار بگیرد؛ زمان و مکان را و می‌نهد؛ فراتر از کنش عینی و فردی، و فضای انضمامی سازندگان آن که رزمندگان باشند، حرکت می‌کند؛ ارزشی درونی و وجودی دارد که همواره از گفتمان درمی‌گذرد. این رکن استعلایی رمان، آگاهی مؤلفان و راویان را نیز وامی‌نهد: به طور کامل نمی‌فهمندش اما جذبش می‌شوند؛ و آنها را به شگفتی و خیرگی وامی‌دارد. استعلایی که رزمندگان در کنش جمعی خود می‌آفرینند حتی فراتر از دایره آگاهی و ایده و کنش فردی خود آنان است و «چیزی» می‌سازد که مواجهه با آن دشوار است و نگاه‌ها را به خود بازمی‌گرداند.

این رکن استعلایی، نااین همان و تعریف‌گریز است و در زیرساخت این رمان‌ها جا خوش کرده است. رکنی است که همچون نخ‌ناپیدا، رشته تمام اجزای روایت را نگه داشته است. فقط با دریافت این رکن است که «کلیت» بر ما آشکار می‌شود و می‌توانیم تکثر و تناقض اجزا را در جهت «وحدت کلی» رمان جنگ تحمیلی درک کنیم. انسجام فرم رمان در گرو این رکن است و در اینجا است که «فرم از آگاهی مؤلف نیز درمی‌گذرد». این رکن، ناآشکار و ناپیدا و نامفهوم است و حتی اگر به پس‌زمینه نیز رانده شود، هر بار به مثابه «انسجام‌بخش» اجزای متکثر و مخالف و متناقض رمان عمل می‌کند و فراتر می‌رود. این رکن استعلایی، فضایی مه‌آلود و مفهوم‌گریز می‌سازد و اجزای آگاهی راویان رمان‌ها را فرومی‌پاشاند. در ژرف‌ساخت رمان‌ها قرار گرفته است و ذهن تحلیلی و انتقادی راویان را می‌بلعد. در همین جا است که می‌فهمیم علیرغم تمام انتقادهای زمینه‌های جنگ و ناخوش دانستن بخشی از رئالیتی آن، کسی را یارای آن نیست که در آنچه در فضای بین‌الذهانی رزمندگان حاضر در میدان گذشته است شک کند. امر استعلایی حاضر در فضای جمعی رزمندگان، از فهم می‌گریزد. آنها حاضران در میدان هستند، نه سیاست می‌ورزند، نه روایت می‌سازند، نه در پی اقتناع‌سازی هستند، نه دستگاهی مفهومی دارند، نه تبلیغات می‌کنند، نه توجیهی می‌آورند. آنها در سرحد نهایت امکان هستند. بدین سبب است که حضور آنها توأمان با «سکوت» «خیرگی» «بردباری» «سادگی» و «خاموشی» است؛ و هر آنچه در پس پشت آنها در ستادها می‌گذرد (کم‌خطا یا پرخطا) نمی‌تواند خدشه‌ای به استعلایی آنها وارد کند.

ب. سوابق دانشی: در باب رمان جنگ تحمیلی، تاکنون چندین پژوهش انجام شده است:

- کتاب ادبیات داستانی جنگ در ایران (۱۳۹۵) از مهدی سعیدی.
- کتاب سیمای سیاسی، دینی و اجتماعی داستان‌نویسی جنگ (۱۳۹۹) از مهدی سعیدی.
- کتاب‌های آنک جنگ، اینک داستان (۱۳۹۶) و گام نهادن بر شیب تند (۱۳۹۱) و اصطلاح‌شناسی مبانی ادبیات داستانی دفاع مقدس

(۱۳۹۵) از احمد شاکری.

- کتاب جنگی داشتیم، داستانی داشتیم (۱۳۸۴) از کامران پارسی نژاد.
 - کتاب نیم نگاهی به هشت سال قصه نویسی جنگ (۱۳۷۳) از رضا رهگذر.
 - کتاب تفنگ و ترازو (۱۳۸۲) از بلقیس سلیمانی.
 - کتاب کنکاش در رمان جنگ (۱۳۸۴) از ابراهیم حسن بیگی است.
 - کتاب جنگ از سه دیدگاه (۱۳۸۶) از محمد حنیف.
 - کتاب از زمینه تا درونمایه (۱۳۸۲) از جمشید خانیان.
 - صد سال داستان نویسی (۱۳۸۴) از حسن میر عابدینی، در مجلد چهارم.
 - کتاب درآمدی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب از فریدون اکبری شلدراهی
- اما پژوهش حاضر، در روش شناسی، در بنیاد نظری، در شیوه نقد رمان، و در غایت و اهداف، تفاوتی سرشتی و جوهری با این آثار دارد.

ج. **موارد نوآوری:** ما در اینجا از نظر گاهی فلسفی و جامعه شناختی، و بر مبنای نسبت رئالیتی و استعلا به رمان جنگ پرداخته ایم. نمونه مشابه ندیده ام که «رکن» استعلایی را به مثابه رکن مرکزی رمان جنگ بررسی کرده و آن را دریافته باشند. پژوهش های مربوط به رمان جنگ تحمیلی، مبنا و اصول و روش شناسی دیگری داشته اند و یافته ها و دسته بندی های آنها از لونی دیگر است. تازگی کار ما در نگاه «کلیت محور» به رمان جنگ تحمیلی است و نشان دادن وجود تکثر بینش های رمانی و در عین حال مخرج مشترک داشتن که همان رکن استعلایی است.

نمایش تکثر بینش ها و تجربه های رمانی در رمان جنگ، نمایش جزئیات رمان جنگ در ساحت رئالیتی، نمایاندن «رکن استعلایی» در رمان جنگ به مثابه رکن کلیت ساز و مرکزی، و به دست دادن مبنایی متفاوت و تازه و فلسفی برای فهم دیالکتیک تکثر/وحدت رمان جنگ، از نوآوری های این طرح است.

د. **فرایند:**

روش تحقیق در پژوهش حاضر از وجوهی بسیار با برخی از روش های مرسوم پژوهش در علوم اجتماعی پیوند دارد اما به معنای اخص کلمه، نمی تواند در ذیل هیچ یک از آنان قرار گیرد. می توان گفت که روش حاضر ترکیبی از روش های «تاریخی، تحلیلی، انضمامی، متن پژوهانه، و سنتز پژوهی» است و بهتر است به اختصار این موارد توضیح داده شود:

- تاریخی: مسئله اساسی روش در اینجا تلاش برای روشن کردن بخش هایی از نظام آگاهی تاریخی است.

- تحلیلی: همواره نظام آگاهی در نسبت‌سنجی متن و زمینه‌های تاریخی تحلیل شده است و اشکال ساخت آن مورد توجه بوده است. متن پژوهانه: تمام تحلیل نظام آگاهی تاریخی، در متن صورت انضمامی یافته است و متن روایی و ادبی را به مثابه اصلی‌ترین و عینی‌ترین صورت آگاهی پیش چشم داشته‌ایم.

- سنتزپژوهی: هر چند که به آشکارگی به احصای تحقیقات متن‌پژوهی (آنجا که متن را فقط متن ادبی دانسته‌اند و تحلیل آگاهی را در فرم ادبی نجسته‌اند) نپرداخته‌ایم اما روش در اینجا متمرکز بر سنتزی بوده است که فراتر از جریان‌های مذکور حرکت کند.

در پژوهش حاضر، ما ۱۰ رمان مربوط به جنگ تحمیلی را انتخاب کرده‌ایم. چند مبنا برای انتخاب این ده رمان داشته‌ایم: نخست اینکه بر اساس مطالعات و جست‌وجوهای انجام شده، صاحب‌نظران این حوزه تقریباً این ۱۰ رمان را از آثار ممتاز دانسته‌اند؛ دوم اینکه، اقبال خوانندگان به آنها زیاد بوده است و جزو رمان‌های معروف و مشهور بازار نشر بوده‌اند و چاپ‌های متعدد از آنها انجام شده است؛ سوم اینکه، سیر تاریخی آنها را در نظر داشته‌ایم و از آثاری که مستقیماً در بحبوه جنگ تحمیلی در دهه شصت نگاشته شده‌اند (مثلاً زمین سوخته احمد محمود که در همان آغاز جنگ نگاشته می‌شود و «همزمان» جنگ است) تا آثار دهه هشتاد و نود شمسی را در نظر داشته‌ایم؛ چهارم اینکه، نگارنده، خود، با مطالعه و تحلیل ده‌ها رمان جنگ به این نتیجه رسیده است که تحلیل این رمان‌ها به فهم کلی رمان جنگ تحمیلی کمک می‌کند؛ پنجم اینکه آثار مربوط به «خاطره‌نگاری» و «تک‌نگاری» و دیگر انواع شبه‌داستانی که موضوع آنها مربوط به جنگ تحمیلی است (آثاری همچون «دا» و «دختر شینا» و امثالهم) رمان نیستند و در پژوهش حاضر نیامده‌اند و شیوه تحلیل ما که «زیباشناسی اجتماعی رمان» است مرتبط با آن آثار نیست؛ ششم اینکه، کوشیده‌ایم این آثار، طیف گسترده مورد نظر ما را در برگیرند تا با تحلیل آنها بتوانیم به شمای کلی از رمان جنگ برسیم. هفتم اینکه، این رمان‌ها از یک نوع یا دسته نیستند و ما کوشیده‌ایم هم نمونه‌های رمان به اصطلاح رئالیستی را انتخاب کنیم (مثلاً «زمین سوخته» و «زمستان ۶۲» و «در شعله‌های آب») هم رمان‌های مدرنیستی را که شیوه روایتگری و طراحی مؤلفه‌های روایی در آنها تازه و بدیع است (مثلاً «ضیافت به صرف گلوله» و «پل معلق»). این آثار را به ترتیب تاریخ نگارش آنها بررسی کرده ایم (تاریخ درج شده در پایان رمان) و هر جا نتوانسته ایم تاریخ دقیق نگارش را بیابیم به ناچار سال چاپ اول کتاب را ملاک قرار می‌دهیم. رمان‌های انتخاب شده:

زمین سوخته، نخل‌های بی‌سر، زمستان ۶۲، در شعله‌های آب، ارمیا، سفر به گرای ۲۷۰ درجه، فال خون، ضیافت به صرف گلوله، پل معلق، شطرنج با ماشین قیامت.

با بررسی این رمان‌ها دریافتیم که با طیف وسیعی از تکرار و تفاوت، در شیوه روایت، در موقعیت ایدئولوژیک نویسنده، در اولویت‌گذاری‌ها، در میزان وفاداری به رئالیتی و زمینه واقعیت، در دوری و نزدیکی به مراکز میدان‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به درجات مختلف، در ارزیابی جنگ به مثابه حماسه یا فاجعه، مواجه هستیم اما در نهایت رکن استعلایی «ضرورت دفاع از وطن و آرمان» از دل رمان سربرمی‌آورد. بدون درک این خصلت زیباشناسانه رمان جنگ، تحلیل‌های جامعه‌شناسانه آن به خطا می‌رود؛ چرا که رکن استعلایی در دیالکتیک جزء/کل یا جزئیت/کلیت رمان جنگ تحمیلی، نقشی اساسی دارد و بدون فهم آن، ممکن است «جزء مبتنی بر رئالیتی جنگ» را به جای «کل مبتنی بر رکن استعلایی» قرار دهیم: در رمان جنگ، «جزئیت» در بیشتر حالات، ناظر به بازنمایی وضعیت فاجعه است و اگر «به جای کل نشانده شود» بزرگ‌ترین خطای روش‌شناختی را موجب می‌شود؛ چرا که از ترکیب رئالیتة اجزا و پیوند یافتن تکرار آنها در متن است که کلیت استعلایی رمان جنگ پدیدار می‌شود. «جزء را به جای کل نشاندن» و «به سبب ناخوشایندی اجزای واقعیت، کلیت استعلایی دفاع از سرزمین و آرمان را نادیده گرفتن» مغلطه در روش است.

ه. منابع: در طرح پژوهشی منابع مختلف داخلی و خارجی را بررسی کرده‌ایم و در فهرست منابع آمده‌اند.

خلاصه طرحنامه شامل همه موارد از (الف تا ه) بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه باشد.